

متن پرسش

با عرض سلام و خسته نباشید: ۱. استاد خیلی دوست دارم فقط از خدا خودش را بخواهم اما دوباره دعای متفاوتی را تکرار می‌کنم. یکی از دعاها که زیاد تکرار می‌کنم اجابت نشده به همین خاطر دیگه نمی‌خواهم نه دعا کنم و ناخودآگاه از شنیدن معارف الهی دور شدم چرا؟ چون برای این سؤال جوابی ندارم از امامان بسیار شنیدم در رد نکردن گدا و اجابت خواسته مردمان کرامات ایشان حتی الان. حالا من یکی از آن انسان هایی ام که با شنیدن این اوصاف آدم در خانه به توسل اما هیچ. چرا باید قبول کنم بقیه حرف هایی که می‌شنوم از معارف الهی چرا باید قبول کنم؟ من آدم بد اما ناامید کردن آدمای بد راه و رسم اهل بیت (ع) نیست. چرا قبول کنم رحمت العالمین غم و درخواست کمکم را می‌بیند بعد هیچی، این امر با این صفت نمی‌خونه وقتی این حرفا را نمی‌فهمم چرا باید قبول کنم؟ استاد از اینکه دیگه نمی‌تونم به احادیث و گفته‌ها اعتماد کنم در عذابم اما همه من را می‌پیچوند. صلاح نیست، آن امور استثناست، در بزم مقرب تر جام بلا بیشتر می‌دهند و... استاد دوست دارم به خدا نزدیک شم اما نمی‌خوام دیگه قدمی بردارم. قدم های که گفتند رفتم اما نتیجه را ندیدم احساس می‌کنم وقتی کسی جهنمیه این حرف ها مال بهشتی هاست نه مال آدمایی مثل من هر قدر صدا می‌کنم ذکر میگم انگار همه شنیده ها مال بقیست به من که می‌رسه استثنا می‌شود. استاد چرا؟ اصلا در عالم برای این سؤال جوابی هست یا نه نیست یا برای من که یک آدم عادی ام نیست می‌دونم در عالم، هدایت و گمراهی من مهم نیست و گرنه حالم این نبود. گفتم شاید جوابی باشه و شما به من بدید استاد واقعا شما سوالها را می‌خونید و جواب می‌دید؟ همه متن ها را؟ ممنونم از وقتی که می‌گذارید با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده یعنی طاهرزاده همی متن را و گله‌های شما را از حضرت پروردگار که در متن‌تان مطرح کرده‌اید، می‌خوانم و تعجب می‌کنم که چطور به مرحله‌ای نرسیده‌اید که آن‌چنان محو حق باشید که بدانید هرچه آن خسرو کند، شیرین کند و ندا سر دهید: «در بلا هم می‌چشم الطاف او/ مات اویم، مات اویم، مات او» در آن حدّ که به خود آیی و از خود بپرسی: «زیر دریا خوش بود یا روی او/ لطف او بهتر بود یا قهر او؟». موفق باشید